



حمید مصدق بهمن ۱۳۱۸ در شهرضا متولد شد. چند سال بعد به همراه خانواده اش به اصفهان رفت و تحصیلات خود را در آنجا ادامه داد. او در دوران دبیرستان با منوچهر بدیعی، هوشنگ گلشیری، محمد حقوقی و بهرام صادقی هم مدرسه بود و با آنان دوستی و آشنایی داشت. مصدق در ۱۳۳۹ وارد دانشکده حقوق شد و در رشته بازرگانی درس خواند. از سال ۱۳۴۳ در رشته حقوق قضایی تحصیل کرد و بعد هم فوق لیسانس اقتصاد گرفت. در ۱۳۵۰ در رشته فوق لیسانس حقوق اداری از دانشگاه ملی فارغ التحصیل شد و در دانشکده علوم ارتباطات تهران و دانشگاه کرمان به تدریس پرداخت. وی پس از دریافت پروانه وکالت از کانون وکلای دوره های بعدی زندگی همواره به وکالت اشتغال داشت و کار تدریس در دانشگاه های اصفهان، بیرجند و بهشتی را پی می گرفت. در ۱۳۴۵ برای ادامه تحصیل به انگلیس رفت و در زمینه روش تحقیق به تحصیل و تحقیق پرداخت. تا سال ۱۳۵۸ بیشتر به تدریس روش تحقیق اشتغال داشت و از ۱۳۶۰ تدریس حقوق خصوصی به خصوص حقوق تعاون. مصدق تا پایان عمر عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی بود و مدتی نیز سردبیری مجله کانون وکلای را به عهده داشت. حمید مصدق در هشتم آذرماه ۱۳۷۷ بر اثر بیماری قلبی در تهران درگذشت.

منبع: ویکی پدیا

گل خورشید وا می شد

شعاع مهر از خاور

نوید صبحدم می داد

شب تیره سفر می کرد

جهان از خواب بر می خاست

و خورشید جهان افروز

شکوهش می شکست آنگه

خموشی شبانگاه دژم رفتار

و می آراست

عروس صبح را زیبا

و می پی راست

جهان را از سیاهی های زشت اهرمن رخسار

زمین را بوسه زد لب های مهر آسمان آرا

و برق شادمانی ها

به هر بوم و بری رخسید

جهان آن روز می خندید

میان شعله های روشن خورشید

پیام فتح را با خود از آن ناورد

نسیم صبح می آورد

درون آن برهوت
این من و تو و ما میبوت
فریب خورده به سوی سراب می رفتیم